



## چالش علمی پژوهشی بودن «آینه میراث»

شدند. شماره ۵۰ آینه میراث اولین شماره‌ای بود که عنوان علمی پژوهشی بر پیشانی صفحه حقوقی آن درج شد. از سال ۹۲ و از شماره ۵۳ تا کنون، سردبیری آینه میراث با سردبیری و مدیریت دکتر مجدالدین کیوانی هدایت می‌شود. از سال ۸۳ تاکنون ۴۰ شماره ضمیمه آینه میراث از مقالات ۵۰ صفحه‌ای تا مجموعه مقالات تخصصی ۴۰۰ صفحه‌ای منتشر شده است. قبلاً وزارت علوم اخطار داده بود که انتشار ضمائم خلاف مقررات آیین‌نامه کمیسیون نشریات این وزارتخانه است. ما هم با ذکر دلایل خود بر تداوم کار پافشاری کردیم. در تاریخ ۹۴/۰۸/۱۶ نامه لغو امتیاز نشریه آینه میراث صادر شد. طنین این لغو در گروه‌های تلگرامی پیچید و دوستان با تهیه نامه، ما را ترغیب کردند تا درخواست تجدید نظر بدهیم و اعلام کنیم که دیگر ضمائم را با عنوان آینه میراث منتشر نمی‌کنیم. از طرف دیگر علاقه‌مندان آینه میراث از استادان دانشگاه‌های مختلف کشور دست به جمع امضا زدند و نزدیک به ۲۰۰ نفر از انتشار ضمائم آینه حمایت کردند. اما کارگروه تخصصی بررسی نشریات کشور، موافقت با انتشار مجدد آینه میراث با رتبه علمی پژوهشی را مشروط به عدم انتشار ضمائم کرد. بنده به احترام حسن ظنی که دوستداران میراث مکتوب به

تابستان ۷۷ اولین شماره آینه میراث به صاحب امتیازی «دفتر نشر میراث مکتوب» در ۸۸ صفحه به بهای ۲۰۰ تومان در قطع رحلی منتشر شد. تنی چند از دوستان اهل قلم هم که مدرک تحصیلی بالایی نداشتند، اما با تجربه و فاضل بودند، اعضای هیئت تحریریه مجله شدند. تا زمستان ۸۱ موفق به انتشار ۱۹ شماره پیاپی شدیم. به ترغیب دوستان، از کمیسیون بررسی نشریات کشور درخواست رتبه علمی ترویجی کردیم و پس از موافقت آنان، ناچار به تغییر سردبیر و اعضای هیئت تحریریه شدیم. گروهی رنجیدند و از همکاری‌شان کاستند و گروهی از اهل دانشگاه امیدوار و شادمان شدند. بنده در پی تأسیس پژوهشکده بودم و طبعاً گمان می‌کردم که برای حصول به مقصود باید نشریه علمی پژوهشی داشته باشیم. درست یا غلط - داوری با آیندگان - این راه را ادامه دادیم. شماره ۲۱ اولین شماره‌ای بود که با سردبیری جمشید کیانفر در بهار ۸۲ در قطع وزیری منتشر شد و شماره ۲۳ هم اولین شماره‌ای بود که مجوز علمی ترویجی گرفت. کیانفر تا شماره ۴۴ که در تابستان ۸۸ منتشر شد، زحمات سردبیری نشریه را متحمل می‌شد. از شماره ۴۵ برای اخذ رتبه علمی پژوهشی کوشیدیم. دکتر حسن رضایی باغبیدی، سردبیری جدید را عهده‌دار

بنده و آینه میراث داشته و دارند و همواره تأکید می‌کردند که با توجه به اندک بودن نشریات متن‌پژوهی و نسخه‌شناسی در کشور، این نشریه پناهی برای علاقه‌مندان دانشگاهی است و... بر رأی ایشان حرمت نهاده و نامه درخواست تجدید نظری برای لغو مجوز علمی پژوهشی نشریه فرستادم. زمانی که رتبه علمی پژوهشی نداشتیم، چندان دقت و مراقبتی در نشر مقاله با ساختارهای پژوهشی متعارف دانشگاهی نداشتیم. اما به برکت آن و منت بزرگی که سردبیران محترم بر میراث مکتوب داشته‌اند، شکل و محتوای مجله، روز به روز مقبول‌تر شد. نویسندگان هم به تدریج خود را منضبط‌تر کردند و مقالاتشان را در چهارچوب ضوابط نشریه می‌فرستادند. اما چند مسئله آزاردهنده همچنان باقی مانده که عزم ما را برای طی ادامه راه، سست نموده است:

### مقالات چند اسمی

چند سالی است که بازار نگارش مقالات چند اسمی در حوزه علوم انسانی، به‌ویژه در رشته ادبیات، داغ‌تر شده و مصوبه وزارت علوم در الزام دانشجویان برای تألیف مقالات مستخرج از پایان‌نامه با همراهی استادان راهنما و... هم رونق آن را دوچندان کرده است. گاه خود آن مقاله، نه چندان لعل بدخشانی است که این خزف همیاری هم دست بدان داده و بازارش را صفا دهد. با این حال همواره اصرار داشته‌ایم که نویسنده مسئول مقاله معلوم باشد. اما گاهی فکر می‌کنیم که مثلاً فلان مقاله که گزارش توصیفی ساده‌ای از یک نسخه پیش نیست، چه‌طور دو یا سه نفر متحمل مشقات تدوین و تألیف شده و این مقاله‌گونه را نوشته‌اند؟ چه‌گونه تقسیم کار کرده‌اند؟ اگر فردا در جشنواره نقد به این مقاله جایزه‌ای تعلق بگیرد، گیرنده جایزه کیست؟ یا اگر بنیاد فارابی آن را برگزید، چه کسی می‌رود و مدال و لوح تقدیر را تحویل می‌گیرد؟ جالب آن‌که کم نیستند استادانی که از این طریق از استادیاری به مرتبه استادی جهش کرده‌اند، بی‌آن‌که مقاله‌ای به اسم خود داشته باشند. پس معلوم می‌شود این چاه‌ها، هم برای مقنی نان دارد و هم برای حاج میرزا آقاسی، آب.

### مقالات سفارشی

آدم‌ها با یکدیگر روابط حسنه خاصی دارند و گاه چنان اهل گرمابه و گلستان می‌شوند که موجبات دخالت بیشتر در کار سردبیر محترم را فراهم کرده و یا از سر اضطرار به داوران سفارش می‌کنند که «با نظر مثبت» مقاله فلانی را داوری فرمایند. داورانی هم هستند که سخت‌گیرند و دست رد به سینه هر مقاله‌ای می‌زنند و به ناچار برخی مقالات هم برای اینان ارسال می‌شود. گاهی مقالاتی در نقد اثری از دوستی شفیق واصل می‌شود؛ اگر چاپ کنیم اسباب رنجش دیگران را فراهم کرده‌ایم، و اگر نکنیم، جامعه را از یک خدمت فرهنگی محروم ساخته‌ایم؛ اگر لحن را تغییر دهیم می‌گویند خشتی شده، و اگر آن را حفظ کنیم، آبرویی برای آن فرد نقدشده باقی نمی‌ماند.

### پذیرش مقاله

چندبار پیش آمد که برای باز شدن گره کور ارتقای دوستی صاحب اثر و ذیصلاح در امر تحقیق، پیش از اخذ مقاله و بدون دیدن و داوری مقاله، ناچار به تحویل نامه پذیرش شدیم. برخی که رفتند و پشت سرشان را نگاه نکردند و با امروز و فردا کردن، امرشان مشمول زمان شد و ما هم پیگیر نشدیم. یکی دو مورد هم بودند که با داوری مقاله پذیرش گرفته بودند و حمار مرادشان که از پل گذشت، تن به اصلاحات ضروری ندادند و گفتند بیش از این قادر به تلخیص یا ویرایش یا... نیستند. اخیراً هم یکی از نویسندگان پس از گذشت ماه‌ها از اخذ پذیرش، خبر داده که مقاله خود را برای چاپ به نشریه دیگری سپرده و از چاپ آن در آینه میراث منصرف شده است!

### هزینه‌ها

هفته‌ای چند مقاله به نشانی پستی آینه میراث واصل می‌شود. هر دو هفته یک‌بار، برای بررسی اولیه، جلسه‌ای تشکیل می‌شود و دوسوم مقاله‌ها غیرقابل داوری تشخیص داده می‌شود. وقتی مقالات انتخاب شده برای داوری ارسال می‌شود، داوران هم دو سوم آنها را رد می‌کنند و برخی را به سبب توصیفی و گزارشی بودن مناسب گزارش میراث

آینه میراث حدوداً ۲۰ میلیون تومان هزینه دارد. آیا راه یا راه‌های بهتری برای حفظ یک نشریه وجود دارد؟ تاکنون این کار با کمک‌های دولتی انجام می‌گرفته، اما دیگر دستگیری از مطبوعات علمی مقدورشان نیست و ما هم پا در هوا بین هوا و زمین مانده‌ایم.

البته هیچ نشریه‌ای با آبونه و حق داوری گرفتن و... قادر به ادامه کار نیست. تولید علم هزینه‌های مخصوص خود را دارد. امیدواریم در آینده نیز توش و توان ادامه این راه را داشته باشیم.

## اکبر ایرانی

می‌دانند. داوران هم با سلاقی مختلف برگه داوری را پر می‌کنند؛ برخی مقاله را ویرایش علمی هم می‌کنند و برخی در دو خط آن را مقبول یا مردود می‌شمارند. از این رو گاه مجبور می‌شویم مقاله را برای دو یا سه داور دیگر هم بفرستیم. به هر حال، مقاله چه پذیرفته شود و چه رد شود، حق الزحمه داوری پرداخت می‌شود. حق الزحمه مقالات غیر دانشگاهی‌ها هم، حتی المقدور، ولو با تأخیر، واریز می‌شود. سردبیری، مدیریت داخلی، ویراستاری، صفحه‌آرایی، نمونه‌خوانی، صحافی و چاپ هم هر یک هزینه‌های خود را دارد. با این اوصاف بودجه سالانه نشریه، تنها کمتر از نیمی از هزینه‌های نشر را کفاف می‌دهد.

## چه باید کرد؟

اولین گام امیدواری برای تداوم راه این نشریه، شاید این باشد که علاقه‌مندان به انتشار آینه میراث و بلکه گزارش میراث، آبونه و مشترک سالانه شوند و هزینه اشتراک سال را پرداخت کنند. برآورد ما از انتشار هر شماره به صورت چاپ دیجیتال در شمارگان محدود، آن هم فقط هزینه‌های مواد و اجرا شامل کاغذ، چاپ و صحافی و... هر نسخه حدود ۱۰ هزار تومان (قیمت تمام شده) می‌شود که در برابر هزینه‌های دیگر، مبلغ قابل ذکری نیست. طبعاً میزان علاقه دوستاناران دو نشریه آینه میراث و گزارش میراث را با ایجاد کمپین اشتراک این دو نشریه می‌توان سنجید. تا نظر شما چه باشد؟

چندین نشریه علمی پژوهشی از دانشگاه‌های مختلف را سراغ دارم که هم بابت داوری وجه دریافت می‌کنند و هم بابت چاپ مقاله. بابت داوری بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان و بابت چاپ بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ هزار تومان. حال وجه مذکور بابت این مقاله را که به کام استاد شیرین است و با نام دانشجو قرین، چه کسی باید بدهد؟ باز طبعاً همان دانشجو که مسئول مقاله است. با این روش، هرچند باری از دوش نشریه برداشته نمی‌شود، لااقل از سیل مقالات کاسته می‌شود و کسانی که معتقدند این نشریه جایگاهی یافته و جا دارد که بماند و پایدار باشد، دست یاری بدان دراز می‌کنند. با یک حساب سرانگشتی می‌توان دانست که چاپ هر شماره

# گزارش میراث